پیرامون عملیات غرورآفرین وعده صادق ۳ مطرح شد:

سردرگمی و خودزنی اشرار صهیونی

گروه سیاسی

موج یازدهم عملیات غرورآفرین وعده صادق ۳ پایان پدافند افسانه‌ای ارتش صهیونی را رقم زد و سردرگمی و خودزنی اشرار صهیونی را برای جهانیان به نمایش گذاشت. روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روز چهارشنبه در اطلاعیه‌ای هم‌زمان با موج یازدهم عملیات غرورآفرین وعده صادق ۳؛ موشک‌های نسل اول فتاح را آغازی بر پایان پدافند افسانه‌ایِ ارتش صهیونی و سردرگمی و خودزنی اشرار صهیونی برشمرد. در این اطلاعیه آمده است: موشک‌های قدرتمند و مانورپذیر فتاح، امشب با عبور از سپر دفاع موشکی، پناهگاه بزدلان صهیونیست را بارها لرزاندند و پیام اقتدار ایران را به هم‌پیمان جنگ‌افروز تلاویو که در خیالات و توهمات پوچ است، ارسال کردند. این اطلاعیه افزود: حمله‌ی موشکی نشان داد ما بر آسمان سرزمین‌های اشغالی تسلط کامل یافته‌ایم و ساکنان آن در برابر حملات موشکی ایران کاملا بی‌دفاع شده‌اند. در این خصوص خبرگزاری فلسطینی سما نوشت: در میانه تنش نظامی مداوم میان ایران و اسرائیل، تهران اعلام کرد که از موشک فتاح استفاده کرده است. این اقدام ایران پیامی راهبردی است که تمام حدومرزهای بازدارندگی متعارف و سنتی را درمی‌نوردد. موشک فتاح ایران معادلات قدرت در منطقه را ترسیم کرد. سرعت این موشک ۱۳ تا ۱۵ ماخ (۱۵ برابر سرعت صوت) و تهدیدی مستقیم برای تأسیسات نظامی و زیرساخت‌های اسرائیل است؛ به‌ویژه که این موشک می‌تواند به هنگام پرواز مسیر خود را تغییر دهد و با پارازیت انداختن به سیستم‌های راداری، به سیستم پدافند هوایی ضربه بزند. استفاده ایران از این موشک در این زمان حساس تصادفی نیست بلکه در چارچوب راهبرد بازدارندگی تصاعدی است که تهران از همان آغاز جنگ به‌کار گرفته است. درحالی که اسرائیل حملات خود علیه ایران را افزایش می‌دهد، این کشور تلاش می‌کند که ثابت کند نه‌تنها از طریق هم‌پیمانان منطقه‌ای بلکه به‌طور مستقیم و از داخل خاک خود توانایی انتقال نبرد به عمق سرزمین‌های اشغالی را دارد. استفاده از موشک فتاح حاوی این پیام هشدارآمیز هم‌زمان به تل‌آویو و واشنگتن است که هرگونه حمله گسترده به ایران با پاسخی روبه‌رو خواهد شد که سامانه‌های پدافند کنونی قدرت مقابله با آن را نخواهند داشت. این گام ایران همچنین نشان می‌دهد که این کشور در حملات خود به پهپاد و موشک‌های بالستیک متعارف اکتفا نمی‌کند بلکه به‌طور تدریجی در حال رونمایی از زرادخانه‌های پیشرفته است که نشان‌دهنده پیشرفت منحصربه‌فرد در قدرت نظامی است. با ورود موشک فتاح به صحنه، نبرد میان ایران و رژیم اسرائیل از یک جنگ سنتی به نبرد پیشرفته خطرناک تبدیل خواهد شد و برتری در سرعت و دقت و نفوذ، عامل اصلی در تعیین سرنوشت جنگ خواهد بود.

مقابله با موشک‌های فراصوت نقطه زن ایران دشوار است

به‌تازگی یک منبع امنیتی رژیم اسرائیل گفته است: ایران استفاده از موشک‌های نقطه زن فراصوتی را آغاز کرد که مقابله با آن برای سامانه‌های پدافندی اسرائیل دشوار است. در این راستا روزنامه صهیونیستی معاریو نیز به نقل از سخنگوی اورژانس رژیم صهیونیستی نوشت که پناهگاه‌ها ممکن است در مقابل موشک‌های ایران دوام نیاورند. کانال ۱۲ رژیم صهیونیستی هم گزارش داد: ایران از ابتدای جنگ تاکنون ۱۱ حمله علیه اسرائیل انجام داد که طی این حملات ۳۷۰ فروند موشک و بیش از ۱۰۰ پهپاد پرتاب کرد. رادیو ارتش رژیم صهیونیستی نیز گزارش‌های برخی مقامات و رسانه‌های این رژیم درباره شمار ذخیره موشکی ایران را رد کرد و گفت: سخن گفتن در مورد اینکه ایران تنها سه هزار موشک بالستیک دارد کلامی بیهوده است و تهران بیش از ۱۰۰ هزار موشک دارد و قدرت ادامه جنگ و بمباران به مدت ماه‌های طولانی را دارد.

آینده بدی برای اسرائیل در صورت تداوم جنگ رقم می‌خورد

در جدیدترین اظهارنظر رئیس شورای امنیت داخلی رژیم صهیونیستی نیز گفت: عملیات جاری تهدید ایران را از بین نخواهد برد و ایران هزاران موشک در اختیار دارد. در همین راستا، سرتیپ فایزالدویری کارشناس و تحلیلگر نظامی عرب روزگذشته گفت: ایران شهرهای موشکی و ذخایر راهبردی از موشک در اختیار دارد و این بدان مفهوم است که آینده بدی برای اسرائیل در صورت تداوم جنگ رقم می‌خورد. شایان ذکر است تا بگوییم که با گذشت چند روز از پاسخ موشکی گسترده ایران به تجاوزات اخیر رژیم صهیونیستی، آثار اقتصادی این حمله، فراتر از میدان جنگ، در عمق ساختار اقتصادی اسرائیل بروز کرده است. به گزارش تسنیم؛ به‌دلیل مساحت کوچک و تراکم بالای جمعیتی و همچنین نبود عمق استراتژیک جغرافیایی، بیشتر مناطق شهری اسرائیل در تیررس مستقیم موشک‌های ایرانی قرار دارند، این مسئله موجب شده است تمامی ساکنان مناطق حساس به پناهگاه‌ها پناه ببرند و فعالیت‌های اقتصادی خرد و کلان از جمله فروشگاه‌ها، صنایع، ترابری، فرودگاه‌ها، بنادر و مراکز تجاری به حالت تعطیل درآیند. روزنامه یدیعوت آحارونوت در گزارشی تصریح کرده است: اقتصاد اسرائیل به‌طور کامل فلج شده است و تاکنون بیش از ۱۲ هزار درخواست غرامت به دلیل خسارت‌های ناشی از حملات موشکی ثبت شده است. گزارش‌های رسمی و غیررسمی حاکی از آن است که پالایشگاه حیفا، بزرگ‌ترین پالایشگاه نفتی اسرائیل با ظرفیت ۲۰۰ هزار بشکه، میان اهداف قرار داشته و از مدار تولید خارج شده است.

ستون فقرات انرژی اسرائیل را ازکارافتاده است

آمارهای منتشرشده از سوی مؤسسه S&PGlobal نشان می‌دهد که رژیم صهیونیستی روزانه ۲۵۰ هزار بشکه نفت وارد می‌کند و حدود ۴۰ درصد از سبد انرژی خود را از طریق پالایش در دو مرکز حیفا و اشدود تأمین می‌کند، در همین راستا، انهدام سه پایانه نفتی در بنادر حیفا، اشکلون و ایلات، همراه با ازکارافتادن دو پالایشگاه اصلی، ستون فقرات انرژی اسرائیل را از کار انداخته است. از سوی دیگر با انهدام زیرساخت‌های نفتی و آسیب به بنادر حیفا، اشکلون و ایلات، بخش عمده‌ای از تأمین انرژی رژیم صهیونیستی متوقف شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که فقط با هدف قرار دادن پنج نقطه شامل سه پایانه نفتی و دو پالایشگاه، نزدیک به ۵۰ درصد از کل انرژی مصرفی این رژیم از بین رفته است. پالایشگاه حیفا، با ظرفیت ۲۰۰ هزار بشکه در روز، غیرقابل استفاده اعلام شده است و به دنبال آن پالایشگاه اشدود نیز عملکرد عادی خود را از دست داده است. همچنین بررسی‌های منتشرشده از سوی رسانه‌ها و منابع بین‌المللی حاکی از آن است که رژیم صهیونیستی به‌واسطه وسعت جغرافیایی محدود خود، در برابر حملات موشکی بسیار آسیب‌پذیر است. ایران با هدف‌گیری دقیق زیرساخت‌های حیاتی اقتصادی، نه‌تنها پیام نظامی خود را منتقل کرده، بلکه ستون‌های اقتصاد اسرائیل را نیز متزلزل کرده است. بنادر حیفا و اشدود به‌عنوان نقاط اصلی تجارت دریایی و واردات کالا، به‌طور تقریبی از چرخه اقتصادی خارج شده‌اند، بندر حیفا به‌تنهایی سالانه ۳۰ میلیون تن بار و بیش از دو میلیون مسافر را جابه‌جا می‌کرد. فلج شدن گردشگری، افزایش بیکاری، کاهش سرمایه‌گذاری نیز از دیگر مسائلی است که هم‌زمان با توقف فعالیت‌های لجستیکی و صنعتی رقم خورده است. در این میان، کارشناسان اقتصادی هشدار داده‌اند که در صورت تداوم این وضعیت، بحران تأمین غذا، سوخت و دارو در مناطق مختلف اسرائیل گسترش خواهد یافت. همچنین کاهش رتبه اعتباری این رژیم از سوی مؤسسات معتبری مانند S&P نیز نشانه‌ای از افزایش خطر ورشکستگی بودجه‌ای شان دارد. واقعیت‌های میدانی نشان می‌دهد که اسرائیل نه‌تنها در عرصه نظامی، بلکه در حوزه اقتصادی نیز به وضعیتی بی‌سابقه از فروپاشی نزدیک شده است. در این خصوص تحلیلگران احتمال می‌دهند که اقتصاد این رژیم چه بسا در غیاب جنگ تمام‌عیار نیز وارد مرحله سقوط آزاد شود.

با تشدید تنش‌ها میان ایران و رژیم صهیونیستی، تفاوت اساسی در ماهیت استراتژی نظامی دو طرف آشکار است

دشمن گرفتار یک اشتباه محاسباتی

شبکه الجزیره در ادامه تحلیل‌های خود از روند جنگ کنونی میان ایران و رژیم صهیونیستی به بررسی قدرت ایران در تغییر قواعد بازی پرداخته که مضمون این مقاله به‌شرح زیر است.

ایران و تغییر قواعد درگیری با صهیونیست‌ها در منطقه

رویارویی فعلی میان ایران و اسرائیل بیانگر لحظه‌ای محوری است که در آن محدودیت‌های فناوری، نظامی و مفهوم بازدارندگی منطقه مورد آزمایش قرار می‌گیرد، زمانی که ده‌ها پهپاد و موشک بالستیک از اعماق خاک ایران به‌سمت خاک فلسطین اشغالی شلیک می‌شوند و پیشرفته‌ترین سامانه‌های پدافندی جهان قادر به رهگیری آنها نیستند، سؤالات زیادی مطرح می‌شود که مهمترین آنها این است: چه چیزی در قواعد بازی تغییر کرده است؟

این رویداد را از حساس‌ترین زاویه آن تحلیل می‌کنیم؛ این که چگونه ایران و رژیم صهیونیستی با ابزارهای متفاوت دکترین‌های نظامی متضاد و تاکتیک‌هایی که آینده متفاوتی را برای توازن وحشت در خاورمیانه نشان می‌دهند در حال جنگ هستند.

از وقایع روزهای گذشته و در پی تبادل حملات میان ایران و رژیم صهیونیستی، صراحتاً به‌نظر می‌رسد که این وضعیت دیگر صرفاً یک تبادل آتش گذرا نیست، بلکه آزمونی واقعی برای پیچیدگی فناوری نظامی در هر دو طرف و نیز بررسی دکترین‌های جنگی آنهاست. شاید قانع‌کننده‌ترین سؤال در این زمینه این باشد؛ آیا ایران ثابت کرده قادر به تهدید عمیق جبهه داخلی اسرائیل با سلاح‌های مؤثر است؟

برای پاسخ به این سؤال باید به روند حملات ایران و تاکتیک‌های مورد استفاده توسط این کشور نگاه کنیم، پاسخ ایران به تجاوز اسرائیل با پرتاب تقریباً ۱۰۰ پهپاد شاهد ۱۳۶ و شاهد ۲۳۸ آغاز شد که پهپادهای انتحاری هستند و برای ایجاد اختلال در سامانه‌های پدافندی دشمن مورد استفاده قرار می‌گیرند نه ایجاد تخریب گسترده، بعد از آن، موجی از موشک‌های بالستیک میان‌برد و دوربرد از جمله موشک‌هایی مانند شهاب ۳ و فاتح ۱۱۰ و احتمالاً مدل‌های جدیدتر مورد استفاده قرار گرفتند، این موشک‌ها قادر به حمل کلاهک‌هایی به‌وزن صدها کیلوگرم هستند و می‌توانند مسافت‌های بیش از ۱۵۰۰ کیلومتر را طی کنند و سراسر فلسطین اشغالی را در برد خود قرار دهند.

کابوس سامانه‌های پدافندی اسرائیل مقابل موشک‌های ایران

رژیم صهیونیستی با استفاده از یک تشکیلات پدافندی چندلایه شامل گنبد آهنین، فلاخن داوود، پیکان و با پشتیبانی سامانه‌های آمریکایی برای مقابله با موشک‌های ایرانی تلاش کرد و با وجود موفقیت ظاهری در رهگیری برخی از موشک‌ها، اما تعداد زیادی از موشک‌های ایرانی به این سامانه‌ها نفوذ کردند که بیانگر آسیب‌پذیری‌های تاکتیکی سیستم پدافندی اسرائیل به‌ویژه هنگام مواجهه با رگبار هم‌زمان پهپادها و موشک‌هاست.

در این زمینه باید توجه داشته باشیم که سانسور نظامی اسرائیل تنها محدود به رسانه‌های این رژیم نیست، بلکه رسانه‌های آمریکایی و غربی هم تحت همین سانسور قرار دارند و نمی‌توانند به‌طور دقیق ضعف‌های نظامی و دفاعی اسرائیل را شرح دهند و همین امر مانع از ارزیابی تأثیر واقعی حملات ایران توسط منابع مستقل رسانه‌ای و مطالعاتی می‌شود.

مقایسه پهپادها و موشک‌ها؛ کدام یک خطرناک‌تر است؟

پهپادهای شاهد ایرانی در زمینه جنگ نامتقارن مزایای قابل توجهی دارند، آنها در مقایسه با موشک‌ها ارزان‌تر هستند و می‌توانند در ارتفاع پایین پرواز کنند و شناسایی و رهگیری آنها توسط رادارها دشوار است، علاوه بر این، استفاده گسترده از پهپادهای شاهد سیستم‌های پدافند هوایی اسرائیل را گیج می‌کند و قابلیت‌های آنها را کاهش می‌دهد. تاکتیک «اشباع و حواس‌پرتی» یک اصطلاح الزامی است که برای توصیف یک حمله گسترده هماهنگ استفاده می‌شود که هدف آن گیج کردن و حواس‌پرتیِ سامانه‌های دفاع هوایی دشمن است، نه لزوماً ایجاد تخریب گسترده،

این یک تاکتیک هوشمندانه در جنگ مدرن است که به‌جای کیفیت بر کمّیت تکیه می‌کند و ذهن دفاعی دشمن را هدف قرار می‌دهد، در این حالت، زمانی که ایران ده‌ها پهپاد یا موشک را به‌طور هم‌زمان شلیک می‌کند، هدف رسیدن همه آنها به موضع مورد نظر نیست؛ بلکه هدف، غلبه بر تشکیلات پدافندی دشمن و سردرگم کردن آن است، کاملاً مشخص است که برخی از پهپادها کند یا غیردقیق هستند، اما رادارها را گیج می‌کنند،

علاوه بر آن، رژیم صهیونیستی مجبور است از موشک‌های بسیار گران‌قیمت برای رهگیری پهپادها استفاده کند و در عین حال قادر به جلوگیری از نفوذ موشک‌های خطرناک‌تر یا سریع‌تری که ممکن است در موج بعدی برسند، نباشد.

از سوی دیگر، پهپادها محموله انفجاری نسبتاً کمی دارند و دقت آنها در اصابت به اهداف پایین است؛ به‌ویژه هنگامی که با سامانه‌های رهگیری مانند گنبد آهنین مواجه می‌شود، بنابراین از پهپادها بیشتر به‌عنوان وسیله‌ای برای ایجاد اختلال در سیستم پدافندی دشمن استفاده می‌شود، نه ابزار دقیقی برای تخریب.

در مقابل، موشک‌های بالستیک قدرت تخریبی فوق‌العاده‌ای دارند، این موشک‌ها قادر به حمل کلاهک‌های عظیم گاهی به‌وزن صدها کیلوگرم هستند و می‌توانند به عمق استراتژیک دشمن برسند. استفاده از این موشک‌ها پیام واضحی از بازدارندگی ارسال می‌کند و اهداف نظامی و غیرنظامی را مورد تهدید قرار می‌دهد.

البته موشک‌های بالستیک از نظر مالی و فنی گران هستند و شلیک آنها از داخل ایران به‌سمت خاک فلسطین اشغالی یک پیام هشدار بسیار قوی برای صهیونیست‌هاست که اجرای عملی آن را در ویرانی‌های گسترده در مناطق مختلف فلسطین اشغالی از جمله مراکز نظامی و استراتژیک و همچنین عمق تل‌آویو دیده‌ایم.

در حالی که پهپادها سلاحی برای تداخل و فرسایش هستند، موشک‌های بالستیک، نوک پیکان تهدید راهبردی به‌شمار می‌روند و زمانی که به‌شکل محاسبه‌شده و مستقیم استفاده شوند، تأثیر بسیار خطرناکی دارند،

بنابراین ایران یک تاکتیک دوگانه را اتخاذ کرده است؛ ابتدا پرتاب پهپادها برای مختل کردن سامانه‌های پدافندی دشمن و سپس شلیک رگباری موشک‌ها، این استراتژی محاسبه‌شده ایران را نشان می‌دهد که از کمّیت به‌جای کیفیت برای ایجاد شکاف در تشکیلات پدافندی دشمن استفاده می‌کند.

دستاوردهای ایران و شکست‌های اسرائیل

از نظر استراتژیک می‌توان گفت که ایران به‌مجموعه پیچیده‌ای از اهداف دست یافته است:

ایران توانایی خود را برای رسیدن به عمق خاک فلسطین اشغالی و وارد کردن ضربات ویرانگر به رژیم صهیونیستی از فاصله دور و به‌شکل مستقیم ثابت کرد.

.موج شدید حملات ایران، تشکیلات پدافندی اسرائیل را مجبور کرد با حداکثر ظرفیت کار کند و ضعف‌های واقعی آن آشکار گردد.

.این حملات ایران حامل پیامی است، مبنی بر اینکه تهران هنوز ابتکار عمل را در دست دارد و به‌خلاف تصور آمریکا و اسرائیل، دست‌بسته نیست.

از طرف دیگر، یک رسوایی نظامی جدید برای اسرائیل رقم خورد و در شرایطی که این رژیم مدعی رهگیری اکثر موشک‌ها و پهپادهای ایرانی شده بود، حجم عظیم ویرانی‌های به‌جای مانده در تل‌آویو و سایر مناطق فلسطین اشغالی، این دروغ مقامات صهیونیست را فاش ساخت که در وهله نخست بر اعتماد عمومی اسرائیلی‌ها به توانایی ارتش این رژیم در محافظت از جبهه داخلی تأثیر می‌گذارد و ادعاهای مربوط به قدرت سیستم پدافندی اسرائیل را به چالش می‌کشد.

ایران چگونه قواعد درگیری را در منطقه تغییر داد؟

جنگ کنونی میان ایران و رژیم صهیونیستی بیانگر تغییر آشکار در قواعد درگیری است؛ جایی که ایران قدرت خود را در وارد کردن ضربات مستقیم و ویرانگر به رژیم صهیونیستی ثابت کرد و در طرف مقابل، اسرائیل نشان داد آن‌گونه که ادعا می‌کرد قدرت برتر منطقه نیست و تبلیغات این رژیم در حوزه نظامی و پدافندی خود برای کشورهای عربی، نابود شد.

این دو رازدرگیری هاهمچنین ثابت کرد که فناوری نظامی ایران دیگر فقط تبلیغات نیست، بلکه پهپادها به یک سلاح پارازیت‌انداز استراتژیک تبدیل شده‌اند و موشک‌های ایران پیام‌های بازدارنده سنگینی را حمل می‌کنند.

برای درک این رویارویی در یک چارچوب وسیع‌تر باید تفاوت اساسی میان دکترین نظامی ایران و رژیم صهیونیستی را در نظر بگیریم؛ زیرا تحلیل و مقایسه امکانات نظامی فقط کافی نیست، بلکه دکترین جنگی پشت آنها را هم باید در نظر گرفت.

دکترین جنگی صهیونیست‌ها زیر پای ایران

با تشدید تنش‌ها میان ایران و رژیم صهیونیستی و تبادل حملات بی‌سابقه تفاوت اساسی در ماهیت استراتژی نظامی اتخاذ شده توسط هر دو طرف کاملاً آشکار است، این جنگ صرفاً جنگ موشک‌ها و پهپادها نیست؛ بلکه جنگ میان دو دکترین نظامی مختلف است: ضربه یک‌باره مقابل فرسایش تدریجی.

صهیونیست‌ها در دکترین نظامی خود بر این مفهوم تکیه دارند که می‌گوید «منتظر تهدید نباشید بلکه ابتدا و با قدرت حمله کنید.»، تجاوزی که رژیم صهیونیستی به ایران انجام داد هم بر مبنای همین دکترین بود و این رژیم تصور می‌کرد اهداف مورد نظر خود را با وارد کردن یک ضربه بزرگ محقق می‌سازد، اما محاسبات آن اشتباه بود.

این استراتژی دیوانه‌وار که رژیم موقت صهیونیستی از ابتدای اشغالگری خود در فلسطین در همه دوره جنگ‌ها بر آن تکیه کرده، هرگز موفقیت عملی نداشته است، اما اشغالگران همچنان اصرار به استفاده از آن دارند.

در مقابل، ایران رویکردی کاملاً متفاوت اتخاذ کرد؛ جایی که به‌دنبال پاسخ یکباره نبود، بلکه پاسخ ایران به‌شکل تدریجی، بلندمدت و ادامه‌دار طبق مراحل زیر است که اثربخشی زیادی بر فرسایش بازدارندگی دشمن دارد:

.پاسخ ایران ابتدا با پهپادهای انتحاری نسبتاً ارزان برای گیج کردن سامانه‌های پدافندی دشمن آغاز شد.

.بعد از آن، ایران با محاسبات دقیق و تعدادی حساب‌شده از موشک‌ها حمله خود را انجام داد؛ به‌طوری که در عین وارد کردن ضربات ویرانگر به دشمن، مشروعیت این پاسخ خود را هم در جامعه بین‌المللی نشان داد تا هیچ راهی برای انجام اقدامات تحریک‌آمیز از سوی حامیان رژیم صهیونیستی باز نباشد.

این رویکرد ایران می‌تواند در چارچوب استراتژی فرسایش تدریجی با تکیه بر زمان، فشار روانی بر دشمن و آشکار ساختن ضعف و شکنندگی صهیونیست‌ها باشد.

به‌طور کلی، ایران به‌عنوان اولین کشوری که با وجود حمایت‌های همه جانبه غرب و آمریکا از رژیم صهیونیستی، وارد تقابل نظامی مستقیم با این رژیم شده، جهان را در برابر تغییر قابل توجه قواعد درگیری قرار داده است و منطقه در معرض تحولاتی قرار گرفته است که اصلاً شبیه گذشته نیست. جدا از نتایج و پیامدهای تنش‌های کنونی برای مرحله آینده، نکته مسلم این است که اسرائیل بیش از هر زمان دیگری به فروپاشی در سطوح مختلف نزدیک شده است و حتی اگر بتواند بعد از این جنگ بقای خود را حفظ کند، دیگر همانند گذشته قادر به عربده‌کشی در منطقه نخواهد بود.

نکته

سنگ تمام ژرمن‌ها برای صهیونیست‌ها

صدراعظم آلمان در واکنش به اقدامات وقیحانه و تجاوزکارانه رژیم اشغالگر قدس مدعی شده است که برنامه هسته‌ای تهران تهدیدی جدی به ویژه برای اسرائیل است. فردریش مرتس مدعی شده که رژیم اسرائیل حق دارد از موجودیت خود و امنیت شهروندانش دفاع کند! مرتس در حالی این سخنان را برزبان می‌آورد که تجاوزگری اولیه رژیم صهیونیستی و تعدی آن به خاک مقدس و پاک کشورمان بر همگان محرز است. در چنین شرایطی خوش رقصی مشمئزکننده صدراعظم تازه کار سرزمین ژرمنها برای نتانیاهو و دیگر قاتلان بشریت نمادی دیگر از دنائت ذاتی مقامات سیاسی المان در مواجهه ذاتی و مطلق با نظام و ملت ایران است.

نباید فراموش کرد که تعلق خاطر ژرمنها به رژیم منحوس و لابی‌های صهیونیستی ارتباطی با حضور یا عدم حضور احزاب خاص در راس معادلات سیاسی و اجرایی تل‌آویو ندارد. همگان به‌خاطر دارند که اولاف شولتس صدراعظم سوسیال دموکرات دولت سابق آلمان زمانی که ده‌ها هزار کودک و زن بیگناه در نوار غزه بر اثر بمباران صهیونیستها به شهادت رسیدند، این جنایات را مترادف با "دفاع مشروع" رژیم اسرائیل قلمداد نمود!

حمایتهای آلمان از جنگ اخیر رژیم صهیونیستی علیه خاک مقدس کشورمان قطعا برای این کشور اروپایی تبعاتی خواهد داشت. برلین خود را عامدانه در کنار رژیم سفاک اسرائیل و به‌عنوان بازوی سیاسی-امنیتی آن تعریف کرده است. سخنان اخیر صدراعظم سرزمین ژرمنها علیه ایران (آن هم در دفاع از اقدام تجاوزکارانه رژیم اشغالگر قدس) مترادف با اعلان جنگ نسل سوخته هیتلر و گوبلز علیه فرزندان پاک مرز و بوم ماست.

دیگر مدارا با ترورییکای اروپایی (یا همان تروریکای ترور و توحش) معنایی ندارد. در این میان برلین اصرار دارد ضمن تعریف خود به عنوان مهره بازی تل‌آویو در تقابل با تهران، بیش از پیش شدت وابستگی خود به تل‌آویو را افزایش دهد. از این تصمیم ژرمنها نمی‌توان به سادگی عبور کرد. اکنون زمان آن رسیده که ژرمنها و دیگر بازیگران اروپایی متوجه این حقیقت شوند که ایران در مواجهه با هم پیمانی مطلق آلمان و رژیم صهیونیستی نمی‌تواند سکوت کرده یا چشمان خود را بسته نگاه دارند.

لازم به ذکر است که ژرمنها در طول سالهای اخیر نیز تبدیل به یکی از اصلی‌ترین حامیان اطلاعاتی و حتی عملیاتی گروههای تروریستی و تجزیه طلب مانند حزب کومله و حزب دموکرات کردستان شده‌اند. صبر راهبردی جمهوری اسلامی ایران در برابر آلمان به نقطه پایانی خود نزدیک شده و اندک زمانی بیش تا پایان مطلق آن باقی نمانده است. به نقع ژرمنهاست که به زندگی انگل وار خود در کنار رژیم منفور صهیونیستی پایان دهند.....

خبر

گروسی بالاخره زبان باز کرد!

گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت: ما هیچ گونه خسارتی در سایت نیروگاه فردو یا رآکتور در حال ساخت در خنداب مشاهده نکرده‌ایم. تشدید تنش نظامی، کار لازم برای دستیابی به یک راه حل دیپلماتیک را به تأخیر می‌اندازد.

به گزارش انتخاب، گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت: ما هیچ گونه خسارتی در سایت نیروگاه فردو یا رآکتور در حال ساخت در خنداب مشاهده نکرده‌ایم. تشدید تنش نظامی، کار لازم برای دستیابی به یک راه حل دیپلماتیک را به تأخیر می‌اندازد.

او ادامه داد: من با بازرسان حاضر در ایران در تماس هستم؛ ایمنی آنها همچنان اولویت اصلی ماست و تمام اقدامات لازم برای اطمینان از عدم آسیب به آنها در حال انجام است. آژانس در ایران است و بازرسی‌ها به محض اجازه شرایط ایمنی ادامه خواهد یافت.

وی همچنین از همکاری و تبادل اطلاعات بین مقامات ایرانی و آژانس تقدیر کرد.

****

تماس تلفنی ترامپ و نتانیاهو بعد از نشست امنیتی آمریکا

وبگاه «آکسیوس» از تماس تلفنی رئیس جمهور آمریکا با نخست وزیر رژیم صهیونیستی بعد از نشست شورای امنیت ملی در کاخ سفید خبر داد. گروه بین‌الملل خبرگزاری فارس؛ وبگاه «آکسیوس» از تماس تلفنی «دونالد ترامپ» رئیس جمهور آمریکا با «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی بعد از نشست شورای امنیت ملی در کاخ سفید خبر داد. آکسیوس به نقل از یک مقام صهیونیست نوشت که ترامپ بعد از جلسه ۸۰ دقیقه‌ای که با اعضای شورای امنیت ملی آمریکا در «اتاق وضعیت» داشت، با نتانیاهو به صورت تلفنی گفتگو کرد. جزئیاتی از محتوای گفتگوی تلفنی ترامپ و نتانیاهو منتشر نشده اما آکسیوس به نقل از مقام‌های صهیونیست ادعا کرد که نتانیاهو هنوز معتقد است که ترامپ تمایل دارد برای بمباران تأسیسات زیرزمینی غنی‌سازی ایران، به حملات اسرائیل بپیوندد.

****

سخنگوی وزارت خارجه قطر:

منطقه تاب تحمل تنش بیشتر را ندارد

سخنگوی وزارت خارجه قطر با محکوم کردن حملات رژیم صهیونیستی به ایران، اعلام کرد که منطقه تاب تحمل تنش بیشتر را ندارد.

به گزارش فارس به نقل از الجزیره مباشر، وی افزود: کشورهای منطقه به حمایت از تلاش‌ها جهت دستیابی به توافق میان واشنگتن و تهران پیوسته بودند.

سخنگوی وزارت امور خارجه قطر گفت: مذاکرات بین ایران و ایالات متحده قبل از حملات اسرائیل به خوبی در حال پیشرفت بود. ایالات متحده تمایل به دستیابی به یک راه حل دیپلماتیک برای بحران فعلی دارد. ما نسبت به هدف قرار دادن نسنجیده تاسیسات انرژی در ایران هشدار می‌دهیم. اقدام اسرائیل نسنجیده است و پیامدهایی بر قیمت نفت خواهد داشت. سخنگوی وزارت خارجه قطر اظهار کرد که نخست وزیر و وزیر خارجه این کشور بر لزوم کاهش تنش در منطقه تاکید دارد. وی افزود: ما با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مورد راه‌های تحکیم امنیت تاسیسات هسته‌ای گفتگو کردیم. ماجد الانصاری گفت: هدف قرار دادن تأسیسات هسته‌ای ایران امنیت و ثبات منطقه را تهدید می‌کند. سخنگوی وزارت خارجه قطر تصریح کرد: تماس‌های ما برای دستیابی به برقراری آرامش در پی تشدید تنش خطرناک در منطقه ادامه دارد. تنها راه خروج از بحران کنونی از طریق میز مذاکره است. ما بر توقف تجاوزات اسرائیل در سریع‌ترین زمان ممکن اهتمام داریم.